

چرا به برنامه جایگزین ملی- دمکراتیک در برابر برنامه نئولیبرال نیاز است؟

سخن روز شماره: ۹۰ (۲۹ آذر ۱۳۹۷)

در گفت و شنفتی، برخی رفقا نگرانی ای را مطرح ساختند که باید جدی گرفت. این نگرانی توسط برخی از رفقای دیگر نیز به این یا آن شکل مطرح می‌شود و از اهمیت و وسعت نگرانی حکایت می‌کند.

نگرانی در این خلاصه می‌شود که طرح برنامه جایگزین در برابر برنامه نئولیبرال، می‌تواند به معنای «آلترناتیوی در مقابل «برنامه الف»» درک شود. این رفقا اراده گرایانه «برنامه الف» را «برنامه حزب توده ایران» اعلام می‌کنند.

وجود این نگرانی نزد این رفقا با پیش شرطی که خود تعیین می‌کنند، قابل فهم است. اما مستدل نیست.

- مستدل به ویژه از آن رو نیست، زیرا برنامه سال 1391 مصوبه ششمین کنگره ی حزب توده ایران در شرایطی بکلی متفاوت با شرایط امروز تنظیم شده است. اکنون قریب به دو سال است که نبرد طبقاتی در ایران با ژرفشی چشم و نظر گیر به پیش می‌رود، و خواستار پایان بخشیدن به اقتصاد سیاسی خانمان برانداز نئولیبرال است.

انتقاد به جا و شایسته به این برنامه ی امپریالیستی در برنامه حزب توده ایران و در فعالیت تبلیغی- ترویجی آن وجود دارد. ولی به سطح روشنگری محدود است. اکنون دوران تغییر عملی- انقلابی در سلطه ی این اقتصاد امپریالیستی فرا می‌رسد و باید برای این مرحله آمادگی ذهنی و سازمانی داشت.

شعار پایان دادن به اقتصاد سیاسی امپریالیستی در اعتراض و اعتصاب های کنونی، یعنی پایان دادن به خصوصی سازی ثروت های متعلق به مردم و نسل های آینده و پایان بخشیدن با نابودی دستاوردهای طبقه کارگر با عنوان شرم آور مقررات زدایی که گویا "آزادی" را نوید می دهد، دستاورد دوران اخیر در نبرد طبقاتی در ایران است. این شعار که با صراحت و شفافیت توسط زحمتکشان اعتصابی در هفت تپه، در صنایع اهواز، توسط معلمان، دانشجویان، بازنشستگان و بسیاری دیگر از گروه ها مطرح می گردد، و بیان «پراتیک انقلابی» توده های زحمتکش است که در آن رنگ و بوی «احساس» خود را بیان می کنند که در تزه های فویرباخ توسط بانیان سوسیالیسم علمی به عنوان محرک فعالیت انقلابی انسان توضیح داده می شود، به پاسخی متناسب نیاز دارد.

- نگرانی قابل فهم است ولی مستدل نیست، زیرا هدف مشخص و به طور شفاف بیان شده برای ارایه یک برنامه جایگزین، شرکت فعال در مبارزه ی سیاسی- انقلابی جاری روز است علیه اقتصاد سیاسی دیکته شده توسط سازمان های مالی امپریالیستی برای ایران و همه ی کشورهای دیگر بر روی زمین. برنامه نئولیبرال امپریالیستی که در ایران رنگ و بوی مذهب ارتجاعی حاکم را بر سیما دارد و مداحان آن در رژیم دیکتاتوری ولایی به آن «اقتصاد اسلامی» نام نهاده اند، و سه دهه است در ایران به مورد اجرا گذاشته شده است و برنامه رسمی همه ی دولت های نظام سرمایه داری وابسته را در ایران تشکیل می دهد که با حکم حکومتی غیرقانونی «رهبر» قانونیت به آن داده شده است.

- نگرانی واقعی، عقب بودن پیشاهنگ است از سطح مبارزه ی توده ها. «عقب ماندن ذهن از عین» است که رفقای بسیاری نسبت به آن هشدار داده اند. هشدار که باید به عنوان تکانه و انگیزه به منظور تشدید فعالیت درک شود و نه ادامه ی رخوت.

- نگرانی، خالی گذاشتن صحنه برای جریان هایی است که می کوشند روند نبرد طبقاتی را در مرداب "رفرم" های بی دورنما بکشانند. می کوشند با طرح انواع اشکال «تعاونی» و «مشارکت کارگران» سروه

مساله را هم بیاورند و «پراتیک انقلابی» طبقه کارگر را خنثی سازند. در شرایط کنونی این شیوه به طور عینی و صرفنظر از انگیزه‌ی احتمالی طرح کنندگان آن، دست در دست تروریسم دولتی عمل می‌کند. ارزیابی دیگری از مواضع محمد مالجوها و ... روا نیست.

- نگرانی قابل فهم است ولی مستدل نیست، زیرا برنامه جایگزین برای برنامه نئولیبرال امپریالیستی که برای تسهیل بیان در کشورهای سرمایه داری نیز برنامه - ب - نام گرفته است، هم‌اکنون در همه‌ی کشورهای سرمایه داری نقش تجهیز و سازماندهی مبارزات را به عهده گرفته است. مضمون چنین برنامه‌ای می‌تواند و باید در یک شعار سراسری و همه خلقی خلاصه شود. کوربین در بریتانیا با شعار بازگرداندن ثروت‌های خصوصی سازی شده می‌رود سکان کشور را به دست گیرد. ساندرز در آمریکا با شعار دفاع از بهداشت عمومی مواضع نیروهای مدافع ترقی اجتماعی را تحکیم بخشیده است. جلیقه زردها در فرانسه، طبقه کارگر و مردم یونان و اسپانیا با شعار علیه «ریاضت اقتصادی» که پیامد مقررات زدای نئولیبرالیستی است، توده‌ها را تجهیز می‌کنند.

داشتن همین انتظار در ایران از چنین برنامه‌ی جایگزین عجیب و حشتناک نیست. با طرح یک شعار سراسری و همه خلقی در دفاع از برنامه ملی- دمکراتیک با سرشتی مردمی و ملی- ضد امپریالیستی می‌توان انتظار داشت که نبرد به پرچم ضروری دست یابد. بتواند هدفمند به پیش براند. ایجاد شدن جو بحث در این باره در جامعه، می‌تواند به تنهایی اهرم پرتوانی برای تجهیز و سازماندهی توده‌ها بدل گردد. به نظر می‌آید که چنین برنامه و پرسش از توده‌ها برای مضمون آن، که هم‌زمان طرح مشخص مضمون مردمی- دمکراتیک و ملی- ضد امپریالیستی برنامه توسط پیشاهنگ است، امروزه یکی از مهم‌ترین اشکال «مبارزه‌ی روزمره» است که بحث بر سر تعیین آن مطرح است.

می‌توان و باید با نشان دادن دستاوردهای برنامه ملی- دمکراتیک در کشورهای دیگر، به ویژه جمهوری خلق چین، ویژگی و خصلت‌ها ترقی خواهانه و مردمی و ملی این جایگزین نشان داده شود. نشان داده شود که نظام سرمایه داری دوران افول دورنمایی ندارد. نشان داده شود

که رهایی از سلطه نواستعماری، ترک مرداب فقر و عقبماندگی تنها با
چنین برنامه‌ای ممکن

است. و بسیاری نکت ها که طرح همه آنها در این سطور سخن را به
درازا می کشاند.